

مؤلفه‌های پیروزی و تداوم نهضت‌های اصلاحی در قرآن و نهج البلاغه

روح الله زینلی^۱

چکیده

بر اساس آموزه‌های اسلامی لازم است تا اصلاحگری، محور تمام نهضت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی قرار گیرد. این حقیقت در بزرگ‌ترین نهضت‌ها و انقلاب‌های اصلاحی تاریخ؛ یعنی بعثت پیامبران آشکارا قابل مشاهده است. به همین دلیل می‌توان گفت که نهضت‌های اصلاحی در اسلام همواره با تکیه بر آموزه‌های قرآنی و روایی شکل گرفته‌اند. تاریخچه این نهضت‌ها آشکارا بیانگر این واقعیت است. در قرآن کریم و بیانات امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، اموری را می‌توان به عنوان مؤلفه‌های پیروزی این نهضت‌ها برشمرد. در این مقاله به برخی از مهم‌ترین این عوامل مانند ایمان، صبر، تقوا، اتحاد، رهبری، برادری، دشمن‌شناسی، نیرومندی، مشارکت عمومی، امدادهای غیبی، عدالت طلبی و عبرت آموزی و چگونگی نقش آنها در پیروزی پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: اصلاحگری، عوامل پیروزی، ایمان، صبر، تقوا، اتحاد، رهبری، دشمن‌شناسی، مشارکت عمومی.

۱. پژوهشگر بنیاد پژوهش‌های اسلامی - گروه حکمت و کلام اسلامی.

دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۵ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۲۰

طرح مسئله

هدف داری و برنامه‌ریزی از لوازم جدا ناپذیر زندگی انسان است. انسان‌ها فارغ از اعتقادات و گرایش‌های فکری، همواره هدفی را برای خود تعریف کرده، برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند. نکته مهم در این زمینه آن است که این هدف بر اساس کدامین یافته‌ها و آموزه‌ها تعریف شده است و لوازم دستیابی به آن را چه کسی معین کرده است؟ تفاوت انسان‌ها و جوامع بیشتر در این واقعیت است. دو دیدگاه متفاوت در این باره مطرح است. در یکی تأکید بر این است که انسان خود به تنهایی و با در نظر گرفتن عقل و تجربه‌اش می‌تواند اهداف را شناسایی کند و به همین صورت به آنها دست یابد؛ اما در دیدگاه دیگر با پذیرش اعتبار عقل و تجربه، محدودیت‌های ابزاری و ادراکی انسان نیز در نظر گرفته می‌شود. از این رو، دو منبع راهنما یعنی عقل و دین برای او معرفی می‌شوند که البته مکمل یکدیگرند. در نگره دینی، خداپرستی و عبودیت مهم‌ترین هدف آفرینش انسان‌هاست. به همین دلیل تمام جهت‌گیری و اقدام‌های پیامبران الهی را می‌توان در راستای تحقق این هدف تبیین نمود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ (نحل/۳۶). حضرت امیرالمؤمنین^{علیه السلام} نیز به این مهم تصریح کرده‌اند. دیگر اهداف بیان شده در متون دینی مانند تعلیم و تربیت^۲، برپایی قسط و عدل^۳، رهاندن از تاریکی‌ها^۴ و آزاد سازی انسان از قید و بندهای مختلف^۵ را نیز

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷.

۲. بنگرید به: جمعه/۲، بقره/۱۲۱ و ۱۵۹.

۳. بنگرید به: حدید/۲۵.

۴. بنگرید به: ابراهیم/۱.

۵. بنگرید به: اعراف/۱۵۷.

می‌توان مقدمه‌ای برای نیل به این حقیقت دانست. در این صورت هرآنچه با این مقصد ناسازگار افتد انحراف به شمار می‌رود که می‌باید به اصلاح آن پرداخت. از این رو می‌توان گفت که راهبرد اصلی و کلان پیامبران، اصلاح امور در راستای دستیابی به این هدف است. این مسئله از زبان پیامبر خدا چنین مطرح شده است: ﴿إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ﴾ (هود/۸۸).

بر اساس این آیه همچنین می‌توان گفت که از دیدگاه قرآن، انقلاب نوعی از اصلاح است و برخلاف تعریف‌های رایج، این دودر برابر هم قرار ندارند. حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در این باره می‌فرماید: خدایا تو خود آگاهی که آنچه از ناحیه ما صورت گرفت رقابت در کسب قدرت یا خواهش فزون‌طلبی نبود، بلکه برای این بود تا سنن تو را که نشانه‌های راه تو هستند بازگردانیم و اصلاح آشکار در شهرهای توبه عمل آوریم.^۱

پرسش اصلی نوشتار حاضر این است که برای پیروزی و کامیابی در این راه از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه چه عواملی دخیل هستند؟ به عبارت دیگر، اگر حرکت پیامبران و پیروان آنان را نهضت اصلاحی بدانیم، از دیدگاه قرآن کریم و نهج البلاغه، چه عوامل و مؤلفه‌هایی در پیروزی و موفقیت این نهضت‌ها نقش دارند؟

این موضوع همواره مورد توجه اسلام پژوهان به ویژه بسیاری از مصلحان اجتماعی و جامعه‌شناسان دینی قرار داشته است؛ برای نمونه می‌توان به شهید مطهری اشاره نمود. ایشان بر آن است که جنبش‌های اصلاحی اسلامی برخی فکری محض بوده‌اند؛ مانند نهضت غزالی، و برخی فقط اجتماعی بوده‌اند؛ مانند نهضت‌های علویون و سربداران، و برخی، هم فکری بوده‌اند و هم اجتماعی؛ مانند نهضت اخوان الصفا.^۲ همچنین در این باره می‌توان نهضت بیداری سید جمال الدین، جنبش مشروطیت، نهضت شیخ محمد حسین کاشف الغطاء و سید عبدالحسین شرف الدین و سید محمد امین و از همه مهم‌تر نهضت امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ را نام برد. گرچه در زمینه بررسی نهضت‌های

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹.

۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۲۹.

اجتماعی و نیز تحلیل محتوایی آنها کارهای مختلفی صورت گرفته است، اما آثاری که با رویکرد قرآنی و روایی درباره این موضوع تحقیق کرده باشند، زیاد نیستند. از جمله آنها کتاب‌های شهید مطهری است؛ مانند کتاب نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، فلسفه تاریخ و مقالات متعدد ایشان در این زمینه. همچنین می‌توان به کتاب سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، نوشته شهید محمد باقر صدر و جامعه انسانی از دیدگاه قرآن کریم، نوشته سید محمد باقر حکیم و سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم، نوشته احمد حامد مقدم اشاره کرد. در این باره مقالاتی نیز به چاپ رسیده است که می‌توان به این موارد اشاره کرد: «قرآن پردازی در اندیشه‌های اصلاحی»، نوشته رضا بابایی، «بازتاب تفکر اصلاحی در تفاسیر جدید»، نوشته سید حسین هاشمی، «نقش قرآن در شکل‌گیری نهضت‌های سیاسی»، نوشته علیرضا حلم زاده.

برای ورود به بحث، به این نکته نیز باید توجه داشت که یکی از مسائل مطرح در حوزه جامعه‌شناسی، قانونمندی جامعه است. در این باره دو دیدگاه متفاوت وجود دارد: بیشتر جامعه‌شناسان وجود قوانین اجتماعی را پذیرفته‌اند، هر چند در این باره برداشت‌های متفاوت دارند، ولی برخی منکر وجود قوانین علی و معلولی در جوامع هستند.^۱ از دیدگاه اسلامی وجود چنین قوانینی تأیید شده است. واژه سنت در فرهنگ اسلامی در باره این قوانین به کار می‌رود. در قرآن کریم به برخی از این سنت‌ها با صراحت اشاره شده است و برخی نیز گرچه عنوان سنت در مورد آنها به کار نرفته است، اما به گونه‌ای نوعی سنت را بیان می‌کنند.^۲ از این رو در مقاله پیش رو برآنیم تا عوامل و مؤلفه‌های پیروزی بخش

۱. ابن خلدون از جمله نخستین عالمانی است که به این مسئله توجه داشته و در مقدمه کتاب تاریخ خود بر قانونمندی جوامع تأکید کرده است. در عین حال برخی نیز قانونمندی جوامع را با صراحت نفی کرده‌اند و فقط برای تاریخ قانونمندی قائل‌اند، متفکران مکتب تاریخی در این دسته قرار دارند. (درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی، ص ۳۴۰) نیز می‌توان به ژرژ گوروویچ اشاره کرد. او از جمله کسانی است که به وجود قوانین علی و معلولی در جامعه اعتقادی ندارد. (ژرژ گوروویچ، جبرهای اجتماعی و اختیار یا آزادی انسان، ترجمه حسن حبیبی، ص ۱۳)

۲. حامد مقدم، احمد، سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم، ص ۱۳.

نهضت‌های اصلاحی را از دیدگاه قرآن کریم و بیانات امام علی علیه السلام در نهج البلاغه بازگو کنیم.

مؤلفه‌های پیروزی بخش نهضت‌های اصلاحی

۱- ایمان؛ در بین این مؤلفه‌ها، ایمان جایگاه اصلی را به خود اختصاص می‌دهد. مراد از ایمان، معنای معهود و اصطلاحی آن است.^۱ از نگاه قرآن کریم، ایمان یکی از شرایط دستیابی به حیات طیبه است: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾ (نحل/۹۷).

در آیه‌ای دیگر با صراحت بیان شده است که مؤمنان برتری خواهند یافت: ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران/۱۹۳). این آیه مربوط به جنگی است که مسلمانان در آن تلفات زیادی متحمل شدند و از این بابت ناراحت و در قتال بی‌انگیزه شده بودند؛ اما خداوند با بیان این آیه می‌فرماید که سست نشوید و اندوهگین نباشید، زیرا ایمان دارید. چون ایمان همواره با صبر و تقوا همراه است و این دو لازمه پیروزی هستند. با وجود ایمان هیچ‌گاه مغلوب کافران نخواهید شد.^۲ این حقیقت به مسلمانان آن زمان اختصاص ندارد، بلکه عام است و هر کس را که برخوردار از چنین ایمانی باشد دربر می‌گیرد.

در آیه‌ای دیگر با صراحت بیان شده است که خداوند مؤمنان را یاری می‌کند: ﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (روم/۴۷). در این آیه از واژه «کان» استفاده شده است که نشان می‌دهد این سنتی ریشه دار و جاری نزد خداوند است.^۳ نیز واژه «علی» یاری خداوند را به

۱. ایمان به معنای امنیت، تصدیق و قبول و جای‌گیر شدن در قلب است. (ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۳) همچنین در اصطلاح به معنای باور قلبی به متعلقات آن؛ یعنی یگانگی خداوند متعال و پیامبری پیامبران و معاد روز قیامت می‌باشد. (سبحانی، جعفر، اندیشه اسلامی، ج ۱، ص ۴۲)

۲. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۷.

۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۴۶۷.

صورت امری حتمی معرفی می‌کند.^۱

در آیه‌ای دیگر همین مضمون با تعبیر نجات مؤمنان تکرار شده است: ﴿ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (یونس/۱۰۳). در برخی روایات، این نجات بخشی به امر فرج اختصاص داده شده است.^۲ در سوره غافر نیز یاری رساندن به مؤمنان آن هم در همین دنیا مطرح شده است: ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ (غافر/۵۱). این یاری دهی در پیامبران به داشتن دلائل و حجت‌های گوناگون است و درباره مؤمنان به شیوه‌های مختلف از قبیل زبردست قرار دادن دشمنان و انتقام‌گیری و یا امدادهای غیبی است.^۳

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: برای کسی که ایمان ندارد امید نجات نمی‌رود.^۴

۲- صبر و استقامت؛ اصلاحگری و تلاش برای تغییر شرایط یک جامعه همواره با سختی‌ها و مشکلاتی همراه است. از این رو کسانی که در این راه قدم می‌نهند باید قدرت تحمل و صبوری خویش را بالا ببرند. قرآن کریم همگان را به یاری طلبی از صبر امر کرده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾^۵ (بقره/۱۵۳). در این آیه همچنین تأکید شده است که خداوند با شکیبایان است و آن کس که خدا با اوست بی‌شک پیروز است.

در آیه‌ای دیگر از صبر و پیروزی به گونه‌ای سخن رفته است که گویی ملازم یکدیگرند: ﴿قَالُوا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أقدامنا وَانصُرنا على القوم الكافرين﴾ (بقره/۲۵۰). این آیه مربوط به سپاهیان طالوت است که با سپاه جالوت روبرو شده بودند و با اینکه تعدادشان از سپاهیان جالوت کمتر بود، اما این گونه از خداوند تقاضای شکیبایی

۱. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج ۲۵، ص ۱۰۸.

۲. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۳۸.

۳. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۲۷۰.

۴. آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم، ص ۸۷.

۵. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از شکیبایی و نمازیاری جویدید؛ زیرا خدا با شکیبایان است.

همچنین بنگرید به: بقره/۴۵.

نمودند تا پیروز گردند.

در آیه‌ای دیگر، خطاب به پیامبر گفته می‌شود که پیامبران پیشین نیز تکذیب و آزار و اذیت شده‌اند، اما چون صبر کردند، پیروزی و یاری خداوند نصیب آنان شد: ﴿وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولًا مِّن قَبْلِكَ فَصَبِرُوا عَلَىٰ مَا كَذَّبُوا وَأُذُوا حَتَّىٰ أَنهَارُهُمْ نَصْرُنَا﴾ (انعام/۳۴). در این آیه نیز با صراحت بیان شده است که پیروزی نتیجه بردباری و پایداری است.

حضرت علی علیه السلام نیز در بیانی نغز می‌فرماید: انسان شکیب، پیروزی را از دست نمی‌دهد، هر چند زمان آن طولانی شود.^۱

حضرت در بیانی دیگر می‌فرماید: اگر کوه‌ها از جای کنده شوند، تو ثابت قدم و استوار باش... از فراوانی دشمن چشم‌پوش و بدان که پیروزی از سوی خدای سبحان است.^۲ از این رو آنان که به دنبال تغییر در یک جامعه و اصلاح آن هستند لازم است تا در راهشان شکیب باشند و به یقین بدانند که صبوری، پیروزی را در پی خواهد داشت.

۳- تقوا؛ مؤلفه دیگر، پرهیزکاری و تقواست. تقوا در قرآن کریم و نهج البلاغه جایگاه والایی دارد. قرآن کریم پرهیزکاری را عامل شناخت درست از نادرست معرفی کرده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا﴾ (انفال/۲۹).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های افراد مصلح، آشنایی با امور شایسته و به اصطلاح اعمال صالح و تشخیص آنها از مفساد است. بی‌شک انسان خود تا شایسته را از ناشایست‌ها باز نشناسد، نمی‌تواند اقدام به اصلاح نماید. در این آیه «فرقان» به صورت مطلق به کار برده شده است و هر آنچه را که متعلق حق و باطل یا درست و نادرست قرار می‌گیرد شامل می‌شود.^۳

در آیه‌ای دیگر نیز به این نکته اشاره شده است: ﴿وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا﴾ (طلاق/۲-۴). در این آیه، از راه خروج سخن رفته، که در برخی روایات به راه شناخت

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۵۳.

۲. همان، خطبه ۱۱.

۳. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۵۶؛ طوسی، محمد بن حسن،

التهدیب، ج ۵، ص ۱۰۸.

فتنه‌ها و راه خروج از تاریکی‌ها معنا شده است.^۱ همچنین در ادامه آیه بیان شده است که خداوند او را به گونه‌ای که خود نیز پیش‌بینی نمی‌کرده روزی خواهد داد. این روزی نیز عام است و تمام آنچه را که باعث زندگی با عافیت می‌شود دربرمی‌گیرد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: اگر آسمان‌ها و زمین راه را بر بنده‌ای ببندند و او تقوای الهی پیشه کند، خداوند حتماً راه گشایشی برای او فراهم خواهد کرد و از جایی که گمان ندارد روزی اش خواهد داد.^۲

مؤمن اصلاح‌گر و انقلابی، پرهیزکاری را مبنای عمل خود قرار می‌دهد و همین امر باعث می‌شود تا به دور از سودجویی، همواره رسیدن به هدفش را در نظر داشته باشد و بهترین راه را برگزیند.

۴- اتحاد و دوری از تفرقه؛ اتحاد و همدلی را می‌توان مهم‌ترین عامل پیروزی هر حرکت دانست. قرآن کریم همگان را به تمسک به ریسمان الهی دعوت نموده است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ» (آل عمران/ ۱۰۳). در این آیه چند نکته وجود دارد: نخست اینکه مفسران در بیان معنای حبل الله آن را به معنای قرآن و رسول اکرم و اهل بیت علیهم السلام دانسته‌اند.^۳ این نکته بیانگر این مهم است که هر وحدتی نیازمند عامل وحدت بخش است. این عامل برای مسلمانان، قرآن و پیامبر است. حرکت‌های اصلاحی اسلامی، لازم است تا از این عامل به خوبی بهره‌مند شوند و بر محور قرآن و پیامبر گرد هم آیند. در این آیه از همگان خواسته شده است تا چنین کنند. بدین سان این یک حکم و الزام اجتماعی است که همگان را خطاب قرار داده است.^۴ در کنار این حکم ایجابی، از هر نوع تفرقه نیز نهی شده است. رفع اختلاف‌ها و دشمنی‌ها شرط لازم برای پیروزی و دستیابی به هدف است. قرآن کریم

۱. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۵۶.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۰؛ در خطبه ۱۸۳ نیز به این مطلب پرداخته شده است.

۳. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۷۷.

۴. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۶۹.

در این باره می‌گوید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران/ ۱۰۳). به عبارت دیگر، برای رسیدن به اتحاد، وجود عامل وحدت بخش بدون دوری از تفرقه، کافی نیست. دیگر اینکه در ادامه آیه نتیجه وحدت نیز بیان شده است. ترک دشمنی و دوستی و نزدیکی قلب‌ها به یکدیگر از جمله نتایج و ثمرات وحدت دانسته شده‌اند. آنان که رسیدن به هدفی والا را وجهه همت خویش قرار داده‌اند، در تلاشند تا تمام موانع را برطرف نمایند.

امام علی علیه السلام درباره سودمندی‌های اتحاد و پیامدهای شوم تفرقه سخن بسیار گفته‌اند. ایشان در یکی از خطبه‌های نهج البلاغه که به بیان عوامل پیروزی ملت‌ها و گروه‌ها اختصاص یافته است می‌فرماید: پس اندیشه کنید که چگونه بودند آن‌گاه که وحدت اجتماعی داشتند، خواسته‌های آنان یکی، قلب‌های آنان یکسان، و دست‌های آنان مددکار یکدیگر، شمشیرها یاری کننده، نگاه‌ها به یک سو دوخته و اراده‌ها واحد و همسو بود! آیا در آن حال مالک و سرپرست زمین نبودند؟ و رهبر و پیشوای همه دنیا نشدند؟ پس به پایان کار آنها نیز بنگرید! در آن هنگام که به تفرقه و پراکندگی رو آوردند، و مهربانی و دوستی آنان از بین رفت و سخن‌ها و دل‌هایشان گوناگون شد، از هم جدا شدند و به گروه‌ها و حزب‌ها پیوستند و خداوند نعمت‌های شیرین را از آنان ستاند.^۱

بیان حضرت درباره اهمیت و نقش اتحاد و تفرقه در پیروزی بسیار روشن و قابل توجه است. حضرت همچنین وحدت دشمنان و تفرقه یاران خود را عامل شکستشان معرفی می‌کند: شامیان چون در یاری کردن باطل خود وحدت دارند بر شما که در دفاع از حق متفرقید، غلبه خواهند نمود.^۲

۵- رهبری؛ یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پیروزی نهضت‌ها و حرکت‌های اصلاحی، برخورداری از رهبری و فرماندهی شایسته است. با نگاهی به نهضت‌ها و انقلاب‌های مختلف در تاریخ به این حقیقت پی خواهیم برد که هیچ حرکتی بدون برخورداري از

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲. همچنین بنگرید به: همان، خطبه ۱۴۶.

۲. همان، خطبه ۲۶.

رهبری شایسته به نتیجه نرسیده و ادامه نیافته است. قرآن کریم نیز برای رهبری که از آن به امامت تعبیر کرده است، اهمیت ویژه‌ای قائل است و آیات زیادی به این مسئله پرداخته‌اند. در ماجرای حضرت ابراهیم که امامت را برای نسل خود نیز درخواست نمود، تصدی امر رهبری منوط به عدم ظلم شده است. ﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره/۱۲۴). بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که پیشوا و رهبر یک اجتماع می‌باید جزء بهترین‌های آن جامعه باشد. این ویژگی در خصوص نهضت‌های اصلاحی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا کسی که داعیه اصلاح دارد خود نیز باید مصلح باشد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾ (یونس/۳۵).

نیز در آیه‌ای دیگر پیشوایی از جمله ویژگی‌های عباد رحمن دانسته شده است: ﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ (فرقان/۷۴). از دیدگاه قرآن کریم مسئولیت سرنوشت افراد یک اجتماع بر عهده رهبران آن اجتماع است و آنان در این باره می‌باید پاسخگو باشند: ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَٰئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾ (اسراء/۷۱). آنچه در آیه به آن اشاره شده است به روز قیامت مربوط می‌شود، اما می‌توان گفت که این مسئولیت در این دنیا نیز وجود دارد و رهبران در قبال رفتار و تصمیماتشان باید مورد سنجش قرار گیرند. همچنین از این آیه می‌توان به اهمیت جایگاه رهبر در تعیین سرنوشت یک گروه و ملت پی برد. در قرآن همچنان که از رهبران و پیشوایانی که انسان‌ها را به سوی بهشت فرامی‌خوانند سخن گفته شده است از رهبرانی که به سوی آتش دعوت می‌کنند نیز سخن رفته است.^۱ پس رهبر می‌تواند انسان‌ها را سعادتمند سازد و یا به شقاوت اندازد. از این رو افراد یک اجتماع همواره می‌باید با بصیرت و آگاهی به امر رهبری توجه داشته باشند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: اگر از من پیروی کنید، به خواست خداوند

شما را به بهشت خواهیم برد، هر چند سخت و دشوار و پراز تلخی باشد.^۱
حضرت در بیانی دیگر علت غلبه شامیان را فرمان برداری نکردن از رهبر و خیانت به او می‌دانند: اهل شام بر شما پیروز خواهند شد؛ زیرا شما امام خود در حق را نافرمانی کردید و آنها امام خود را در باطل فرمان بردارند. آنها نسبت به رهبر خود امانت دار و شما خیانت‌کارید.^۲

۶- برادری و الفت؛ مؤلفه دیگری که می‌تواند در پیروزی حرکت‌های اصلاحی نقش ویژه‌ای را ایفا کند، ترویج روحیه برادری و الفت میان افراد است. بی‌شک در چنین جوی است که اتحاد شکل می‌گیرد و از خودگذشتگی به اوج می‌رسد. این روحیه ارتباطات را نزدیک‌تر و افراد را در دستیابی به هدف مصمم‌تر می‌سازد. روحیه برادری به ویژه لازم است تا از سوی رهبران آغاز و ترویج شود تا دیگران نیز به تبع آنها آن را گسترش دهند و در عمل به فرمان رهبران سستی نشان ندهند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران/۱۰۳). در این آیه با صراحت نقش روحیه برادری و همدلی در دست یافتن به پیروزی بیان گردیده است. در آیات بسیاری از پیامبران یک قوم با عنوان برادر آنها یاد شده است.^۳ چنین کاربردی می‌تواند در تمام این آیات نیز مد نظر باشد. همچنین قرآن کریم درباره پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران/۱۵۹). در این آیه می‌توان میزان اهمیت برخورد مناسب و دوستانه را در گرویدن انسان‌ها به پیامبر مشاهده نمود. بنابراین رفتار مهربانانه و برادرانه در رسیدن به هم‌گرایی و همدلی و در نهایت پیروزی نهضت‌های اصلاحی نقش مهمی دارد.

در آیه‌ای دیگر مؤمنان برادران هم معرفی شده‌اند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶.

۲. همان، خطبه ۲۶.

۳. بنگرید به: شعراء: ۱۰۶، ۱۲۴، ۱۴۱ و ۱۶۱؛ نمل/۴۵؛ عنکبوت/۳۶.

أَخْوِيكُمْ ﴿ (حجرات/۱۰) و به همین دلیل از آنان خواسته شده است تا بین برادران صلح و آشتی برقرار شود. در روایات نیز به برادری و الفت میان مؤمنان توجه ویژه‌ای شده است.

۷- دشمن شناسی؛ برای پیروزی در نبرد لازم است تا همواره شناخت کامل و دقیقی از طرف مقابل یا همان دشمن وجود داشته باشد. این مسئله یکی از عوامل اصلی به ثمر نشستن نهضت‌های اصلاحی به شمار می‌رود. قرآن کریم تأکید می‌کند که شیطان دشمن شماست؛ پس او را دشمن بگیرید: ﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا﴾ (فاطر/۶). به عبارت دیگر، دشمن را همواره باید دشمن دانست.

در آیه‌ای دیگر به مؤمنان هشدار داده شده است تا نسبت به افرادی که با آنان رابطه برقرار می‌کنند، اطلاعات لازم را داشته باشند تا دشمن را به جای دوست اشتباه نگیرند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مَنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (آل عمران/۱۱۸-۱۲۰). بر اساس این آیه می‌توان گفت آنان که در پی تشکیل نهضتی اصلاحی هستند لازم است تا همواره هوشیار باشند تا دشمنان در دل آنها نفوذ نکنند و میانشان اختلاف نیفکنند.

جدا از کلیاتی که در زمینه معیارهای شناخت دشمن وجود دارد در آیاتی نیز به برخی از این معیارها اشاره شده است.^۱ حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: حسن ظن به دشمن نادرست است و نباید به دشمن اعتماد کرد. حتی پس از صلح نیز نباید از او غفلت نمود.^۲ ایشان در گفتاری دیگر مراقبت و احتیاط در برابر دشمن و انجام کارهای اطلاعاتی را لازم دانسته‌اند.^۳

۸- نیرومندی؛ یکی دیگر از عوامل پیروزی نهضت‌ها و حرکت‌های اصلاحی، برخورداری از امکانات و نیروهای مناسب است. قرآن کریم در بیانی مشهور می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾ (انفال/۶۰).

۱. بنگرید به: بقره/۱۶۸-۱۶۹ و ۲۰۴-۲۰۵.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳. همان، خطبه ۴۳.

این مسئله درباره هر نوع حرکت و نهضتی صدق می‌کند. البته باید توجه داشت که این نیروها و امکانات عام است و هرگونه نیرو یا امکاناتی از قبیل نیروی سخت‌افزاری یا نرم‌افزاری را در برمی‌گیرد. بنابراین می‌باید متناسب با دشمن پیش رو نسبت به آماده نمودن نیروها و امکانات اقدام نمود. حضرت علی علیه السلام پیشبرد اهداف و برکرسی نشان دادن دیدگاه‌ها را منوط به داشتن نیرو و قدرت می‌دانند.^۱ ایشان همچنین اصل در مبارزه را نیرومندی دانسته و نتیجه آن را پیروزی معرفی کرده‌اند.^۲

۹- مشارکت عمومی؛ عامل مهم دیگری که در پیروزی نهضت‌های اصلاحی از اهمیت زیادی برخوردار است، تبدیل آن به یک مطالبه مردمی است. به عبارت دیگر، قیام‌ها و نهضت‌ها زمانی با کامیابی به پیروزی می‌رسند که اکثریت افراد جامعه و همه قشرها خواهان آن باشند. این حقیقت را می‌توان از آیات مختلفی از قرآن کریم برداشت نمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (رعد/۱۱)؛ ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (انفال/۵۳).

در قرآن کریم همچنین اصطلاح امت قائمه به کار رفته است. در این آیات به همه مردم خطاب شده است که به صورت جمعی یا به صورت فردی در راه خداوند به پاخیزند: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفَرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا﴾ (سبأ/۴۶). در این آیه همگان به قیام امر شده‌اند. برخی از تفاسیر این قیام را از نوع مصلحانه و حق طلبانه دانسته‌اند.^۳ همچنین مقدم شدن دو نفره بر یک نفره بودن به معنای اهمیت بیشتر قیام جمعی است.^۴ آیات ۱۱۳ تا ۱۱۵ سوره آل عمران هم به مسئله امت قائمه پرداخته است. حضرت امیر علیه السلام در هنگامی که برای حمله به شامیان آماده می‌شدند فرمودند: تصمیم گرفتم از آب فرات بگذرم و به سوی جمعیتی از شما که در کنار دجله

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۳۹.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۷.

۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۸، ص ۶۱۹؛ قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۴، ص ۱۹۹.

۴. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۳۱۷.

ساکن اند رهسپار گردم و آنها را برای همراهی با شما بسیج نمایم و برای کمک به شما از آنها کمک بخواهم.^۱ آن حضرت در نامه ۶۲ همگان را به شرکت در جنگ دعوت می نماید و نتیجه شرکت نکردن را خواری معرفی می کند.

۱۰_ امدادهای غیبی الهی؛ قرآن کریم بیان می دارد که خداوند مسلمانان را در مواطن بسیاری یاری کرده است: ﴿لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ﴾^۲. در برخی تفاسیر آمده است که تعداد این مواطن هشتاد موطن بوده است، هر چند واژهٔ کثیر اختصاصی به هشتاد ندارد.^۳ همچنین گفته شده است که این آیه مربوط به غزوه حنین است که همانند بسیاری از دیگر غزوات پیامبر که به صورت اظهار معجزات عجیب و ارسال نیروهای نامرئی و مانند آن یاری شده اند.^۴ در این آیه با صراحت بیان شده است که خداوند مؤمنان و همراهان آنها را نجات می دهد: ﴿فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ﴾ (اعراف/۷۲). رحمت آمده در این آیه، رحمت خاص است که فقط مؤمنان را در بر می گیرد. همچنین در آیه ای دیگری یاری مؤمنان را بر خود لازم دانسته است: ﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (روم/۴۷). در همین رابطه در بیانی دیگر آمده است که اگر مؤمنان یک دیار ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند درهای برکت آسمان و زمین را بر آنان می گشاییم: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ (اعراف/۹۶).

حضرت امیر علیه السلام در این باره می فرماید: پیروزی و شکست اسلام به فراوانی و کمی طرفداران آن نبود، اسلام دین خداست که آن را پیروز ساخت و سپاه اوست که آن را آماده و یاری فرمود... و خداوند به وعده خود عمل می کند و سپاه خود را یاری خواهد کرد.^۵ از جمله نمونه های بارز این یاری ها را می توان در روند پیروزی انقلاب اسلامی و

۱. نهج البلاغه، خطبه ۴۸.

۲. توبه/۲۵.

۳. طوسی، محمد بن حسن، التبیان، ج ۵، ص ۱۹۷.

۴. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۱۹.

۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶.

استقرار آن مشاهده نمود.

۱۱- عدالت خواهی و حق طلبی؛ در قرآن می‌فرماید: ﴿وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِم مَّوْعِدًا﴾ (کهف/۵۹). در این آیه با صراحت به هلاکت و نابودی شهرها و حکومت‌هایی اشاره شده است که ظلم پیشه کرده‌اند. براین اساس می‌توان چنین گفت که حرکت‌های اصلاحی نیز اگر عدالت خواهانه نباشند، حتی اگر پیروز هم شوند، دوامی نخواهند آورد.

در آیه‌ای دیگر نیز تأکید شده است که خداوند سرزمین‌هایی را که اهلشان اصلاح‌گردد نابود نمی‌کند: ﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ﴾ (هود/۱۱۷). قرآن کریم با صراحت بیان می‌دارد که با آمدن حق، باطل از بین می‌رود: ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ (اسراء/۸۱).

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: پیروز نشد آن کس که گناه بر او چیرگی یافت و آن کس که با بدی پیروز شد، شکست خورده است.^۱ حضرت همچنین می‌فرماید: آنان که با حق درآمیخته‌اند، نابود خواهند شد.^۲ و در مقابل، نتیجه ایستادن در مقابل حق را نابودی می‌داند.^۳ بنابراین نهضت‌ها و انقلاب‌های اصلاح‌گرایانه می‌باید هم اهداف عدالت‌گرایانه داشته باشند و هم از روش‌های ناعادلانه دوری کنند. به عبارت دیگر از دیدگاه قرآن و روایات، پیروزی به هر صورت ممکن مورد نظر نیست.

۱۲- عبرت‌گیری؛ از جمله عواملی که می‌تواند در پیروزی و جلوگیری از شکست و تباهی نهضت‌های اصلاحی نقش مهمی داشته باشد، عبرت‌گیری و درس‌آموزی از سرنوشت دیگران است. قرآن کریم با اشاره به شکست یهودیان و خروج آنها از مدینه، تأکید می‌کند که به این قضیه به عنوان واقعیتی عبرت‌آموز بنگرید: ﴿هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ

۱. همان، حکمت ۳۲۷.

۲. همان، حکمت ۱۸۸.

۳. همان، حکمت ۴۰۸.

حُصُونَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَآتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَدَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ ﴿حشر/۲﴾. نیز در آیه‌ای دیگر به اقوامی اشاره می‌کند که با وجود برخورداری از امکانات بیشتر و شرایط بهتر، نابود شدند، از این رو این حقیقت را مایه یادآوری و درس آموزی برای کسانی که قلب (فکر روشن) آماده و گوش شنوا دارند معرفی می‌کند: ﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَحِيصٍ * إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾ (ق/۳۶ -

(۳۷)

حضرت علی علیه السلام نیز در این باره تأکید بسیار کرده‌اند. آن حضرت در نامه‌ای به معاویه پس از هشدار به دنیا پرستی و کارهای ناشایست او می‌فرماید که اگر از آنچه گذشته عبرت بگیری، آنچه را که باقی مانده می‌توانی حفظ کنی. ^۱ اهمیت عبرت آموزی در بهبود بخشی به شرایط به اندازه‌ای است که حضرت حتی معاویه را نیز به آن دعوت می‌فرماید. ایشان در بیانی دیگر می‌فرماید: و از آنچه بر گذشتگان شما رفت عبرت بگیرید که چگونه شرف و شکوهشان از خاطره‌ها محو گردید! ^۲

نتیجه: از دیدگاه قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام هدف اصلی در هر نهضت اصلاحی و انقلاب، اصلاح امور است. با توجه به قانونمند بودن جوامع، برای دستیابی به این هدف مؤلفه‌هایی در کار است. نکته قابل توجه در این زمینه آن است که در این نگرش، پیروزی هدف اصلی به شمار نمی‌رود و برای رسیدن به این پیروزی، استفاده از هر روشی نیز روا نیست.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نشر الهادی، قم، ۱۳۷۹ ش.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۴. آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶ ش.

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۹.

۲. همان، خ ۱۶۱.

۵. بحرانی، سید هاشم، *البرهان فی علوم القرآن*، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ ش.
۶. حامد مقدم، احمد، *سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم*، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، چاپ دوم، ۱۳۶۹ ش.
۷. حزاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، قم، ۱۴۰۹ ق.
۸. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، *درآمدی بر جامعه شناسی اسلامی*، تهران، ۱۳۶۳.
۹. ری شهری، محمد، *میزان الحکمة*، مکتب الإعلام الإسلامی، بی‌جا، ۱۳۶۷ ش.
۱۰. سبحانی، جعفر و محمد رضایی، *اندیشه اسلامی*، نشر معارف، قم، ۱۳۸۷ ش.
۱۱. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، *التهدیب*، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ ش.
۱۴. _____، *التبیان فی تفسیر القرآن*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.
۱۵. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، اسماعیلیان، تهران، ۱۴۱۵ ق.
۱۶. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، چاپخانه علمیه، تهران، ۱۳۸۰ ق.
۱۷. فخر رازی محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
۱۸. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۴ ش.
۱۹. گوروچ، ژرژ، *جبرهای اجتماعی و اختیار یا آزادی انسان*، ترجمه حسن حبیبی، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۵۳ ش.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، مؤسسة الوفا، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
۲۱. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، انتشارات صدرا، چاپ سوم، ۱۳۸۷ ش.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۴ ش.